

و اجزای سلسله بالفعل موجود بودند. این زنجیره‌ی شترها را در نظر بگیرید که این‌ها تحقق‌هاشون حقیقی نیست به دلیل و شرط سه و شرط چهار هم سلسله‌ی نامتناهی و بی‌نهایتی است.

پس تسلسل چهار شرط دارد که اگر گفتن چهار شرط تسلسل در علل را بگویید، باید این چهار شرط را بگویید. تسلسل در علت اینجا منظورمان است نه تسلسل در معلول‌ها، چون معلول‌ها هم ممکنه به همدیگه متصل باشند، مثلا بهم وصل باشند، اما ما منظورمان تسلسل در ناحیه‌ی علت است. آن علت بعدی و آن علت بعدی و همینجوری تا آخر.

برای اثبات امتناع تسلسل، امتناع تسلسل یعنی چی؟ یعنی محال بودنش، یعنی اثبات محال بودن تسلسل که در اینجا باید دوتا اصلا را بپذیریم. وجود معلول نسبت به علتش یک وجود رابط و غیر مستقل است. این خیلی بحث مهمی است. پس اصل اول این است که وجود معلول نسبت به علتش یک وجود رابط و غیر مستقل است. نکته‌ی دوم وجود رابط بدون یک وجود مستقل امکان تحقق ندارد. نکته‌ی سوم، اگر سلسله‌ی علل غیر متناهی باشد، همه‌ی اجزای سلسله وجودشان رابط خواهد بود، بدون اینکه وجود مستقلی تحقق داشته باشد که به آن قوام بدهد. پس این دوتا اصل را دقت کنید. وجود رابط و مستقل را یکبار گفتیم که اگر خاطرتان باشد، وجود رابط و مستقل با مثال این را واضح کنید. وجود رابط و مستقل مثالش این است، مثلا ساعت‌ساز را در نظر بگیرید با خود ساعت. اگر ساعت‌ساز بمیرد، ساعت وجود دارد و نمی‌میرد با این حال که آساختنش و اگر وجود خود ساعت‌ساز نباشد، خود ساعت هست. وجود ساعت نباشد و ساعت از بین برود، ساعت‌ساز وجود دارد. این دوتا وجود مستقل از هم دارند. اما وجودهای ربطی وجودهایی هستند که در واقع مثل آن برق و منبع اصلی هستند. مثل برق به منبع اصلی است. این لامپی که الان روشن است، وجودش ربطی است و غیر از ساعت و ساعت‌ساز است. اگر ان منبع اصلی نباشد این لامپ هم روشن نمی‌شود. یجورایی کل و جز که اگر اجزا نباشد، کل آن شکل نمی‌گیرد. مثل شارژر موبایل و آن لپ تاپ که وابسته به شارژش هست که بدون شارژش روشن نمی‌شود به این‌ها وجود ربطی می‌گوییم. اگر یکیش نباشد، یعنی تو وجود ربطی اگر علت وجودی نداشته باشد، معلولی وجود ندارد و معلول ربط به علتش دارد. وجود معلول نسبت به علتش یک وجود رابط و غیر مستقل است. وجود مستقلانه ندارد و وجود رابط بدون یک وجود مستقل امکان تحقق ندارد. اگر این دوتا اصل را بپذیریم، نکته‌ی سوم یعنی آن استقلال اینجا تموم می‌شود. می‌گوییم اگر سلسله غیر متناهی باشد، همه‌ی اعضای

آن سلسله وجودشان رابط خواهد بود، بدون آن که وجودی مستقلی تحقق داشته باشد، یعنی بگوییم یک سری علت‌هایی آن جا هست، پشت سرهم هست و به یک وجود مستقلی منتهی نمی‌شود که به آن‌ها قوام بدهد. اینکه اصلاً در واقع هیچ وقت این وجودها، وجود پیدا نمی‌کنند. یک سری فرض کنید علت‌ها پشت سرهم به هم گره خورده و تا بی نهایت ادامه پیدا می‌کند و به یک وجود مستقلی هم ختم نمی‌شود. پس می‌توان نتیجه گرفت که از این وجود وجودهای دیگر تشکیل نمی‌شود. چرا که وجودهای رابط نیاز به وجودهای مستقل دارند. پس سلسله علل محال و باطل است. این استقلال راحت و دم دستی است. اگر بخواهیم مفصل‌تر در رابطه با این مسئله تحقیق کنیم، یک شخصی این را انجام بدهند و بعداً این را ارائه بدهند تا ما هم استفاده کنیم.

بریم سراغ فصل بعدی که حدود و ماهیت است. پس گفتیم امتناع یا تسلسل در علل محال است. یعنی اگر بخواهیم بگوییم این علت وابسته به آن علت است، علت دو وابسته به علت سه است و به هیچ علت مستقلی ختم نشود، این محال است، امکان پذیر نیست، وجود خارجی ندارد، دروغ و کذب است.

بریم سراغ درس ۵ که وجود و ماهیت است که اصل بحث‌های فلسفه در مورد وجود و ماهیت می‌خواهد صحبت کند. وجود چیست؟ احکامش چیست؟ ماهیت چیست؟ احکامش چیست؟

این مغالطه در جایی هست که کسی ادعایش را بدون دلیل مطرح می‌کند. بالاخره ما باید برای عقیده یا آن باور خودمان یک عدله‌ای داشته باشیم، همینجوری رو هوا نمی‌توان حرف زد. چه ضمانتی دارد، درستی این حرف باید محک زده شود. ما باید ملاک و معیار داشته باشیم. نمی‌توان همینجوری حرف زد. آیا چیزی عوض می‌شود؟ این حرف زدن می‌تواند ما را به جایی برساند.